

نواوری‌ها و کاستی‌های «قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱»

در قلمرو اصول و تشریفات دادرسی

مصطفی‌السان*

لیلا نجفی‌زاده**

ملیححه لاوریان***

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۴/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۱/۲۹

چکیده

بررسی قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ نشان می‌دهد که این قانون دارای نواوری‌ها، ابتکارات و در عین حال کاستی‌هایی در زمینه‌های مختلف حقوق خانواده و رسیدگی به دعاوی خانوادگی می‌باشد. هرچند که به هر حال وجود این قانون و مقررات حمایتی ویژه‌ای که در زمینه زنان و کودکان دارد برای نظام حقوقی کشورمان پیشرفت عمده‌ای محسوب می‌گردد و باید مورد حمایت قرار گیرد اما کاستی‌ها و نواوری‌های آن از حیث اصول و قواعد و تشریفات دادرسی نیاز به بررسی دارد. حضور قاضی مشاور زن، پرداختن به موضوع نامزدی و خسارات ناشی از آن، ایجاد صلاحیت برای دادگاه خانواده در مورد اهدای جنین و تغییر جنسیت و نیز سرپرستی کودکان بی‌سرپرست، رسیدگی به موضوع ازدواج مجدد، ایجاد مراکز مشاوره، الزام به ثبت ازدواج موقت و ممنوعیت حضور کودکان در دادگاه خانواده از جمله نواوری‌های این قانون می‌باشد که در این مقاله به همراه خلاصه‌ها و کاستی‌های قانون مذکور مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: دادگاه خانواده، صلاحیت، نواوری‌ها، کاستی‌ها.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

*استادیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

mostafaelsan@yahoo.com

**دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه (نویسنده مسؤول).

najafizadehleila@gmail.com

***کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه شهید بهشتی.

malihe.lavarian@gmail.com

مقدمه

قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ در ابتدا به صورت لایحه در تیر ماه ۱۳۸۹ از طریق هیأت دولت تقدیم مجلس شورای اسلامی شد که دارای خلأها و نواقصی بود و نهایتاً در اسفند ماه ۱۳۹۱ به تصویب رسید.

قانون جدید حمایت خانواده قواعد خاصی برای صلاحیت ذاتی و نسبی دادگاه خانواده مقرر داشته است و نیز سازمان قضایی و تشریفات ویژه‌ای برای رسیدگی به این دعاوی دارد. در واقع، باید توجه داشت که قانونگذار نباید صرفاً به اختصاص دادگاهی برای رسیدگی به دعاوی خانوادگی اکتفا کند بلکه دادگاه اختصاصی باید تخصصی هم باشد. تخصصی نمودن محاکم خانواده با توجه به دو موضوع «قاضی» و «تشکیلات» میسر است (اسدی، ۱۳۸۶، ص ۲۸).

هرچند این قانون دارای ابتکارات و نوآوری‌هایی است اما در مواردی با شتاب‌زدگی در وضع قانون مواجه هستیم و دقت کافی در بیان احکام قانون اعمال نشده است. حال، باید دید که این قانون در مقام عمل و اجرا چه سرنوشتی در دادگاه خانواده خواهد داشت و آیا نفعی برای اعضای خانواده اعم از زن و مرد دارد یا این که قضات راهکارهای جدیدی در تسهیل امور در جریان دادرسی در دادگاه خانواده در این قانون خواهند یافت و یا دشواری‌ها و تشریفات جدیدی را مقرر داشته است که بر پیچیدگی نظام دادرسی خانواده در کشورمان خواهد افزود؟! (قربان‌وند، ۱۳۹۳، ص ۱۳).

۱. نوآوری‌ها و ابتکارات قانون حمایت خانواده جدید و کاربرد آن در

دادگاه خانواده

۱-۱. حضور قاضی مشاور زن

در ماده ۲ ق.ح.خ قانونگذار ضمانت اجرای رأیی را که دادگاه خانواده بدون لحاظ اظهارنظر قاضی مشاور صادر نماید معین ننموده است؛ بدین معنا که اظهارنظر قاضی مشاور زن امری صرفاً تشریفاتی بوده یا در ماهیت تصمیمی که گرفته می‌شود مؤثر خواهد بود؟! به باور برخی حقوقدانان، نظر قاضی مشاور باید اخذ گردد و اگر اخذ نشد الزاماً موجبات نقض را فراهم نمی‌کند؛ چراکه دلیلی بر عدم صحت رأی دادگاه بدون کسب نظر قاضی مشاور

وجود ندارد (قربان‌وند، ۱۳۹۳، ص ۳۰).^۱

هرچند برخی حقوقدانان معتقدند که دادگاه خانواده از سیستم وحدت قاضی خارج نشده و درج نظر قاضی مشاور و حضور وی در تشکیل دادگاه خانواده از چنان اهمیتی برخوردار است که رسیدگی و تشکیل جلسه دادگاه بدون حضور وی رأی صادره را از اعتبار می‌اندازد (نهرینی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۴۹۰). البته، حضور قاضی مشاور زن مخصوص دادگاه خانواده بوده و در دادگاه تجدیدنظر که به تجدیدنظرخواهی از آرای دادگاه خانواده رسیدگی می‌کند حضور قاضی مشاور زن پیش‌بینی نشده است.^۲

۲-۱. ایجاد صلاحیت‌های جدید برای دادگاه خانواده

۱-۲-۱. نامزدی و خسارات ناشی از آن

برای نخستین بار به این موضوع به صورت اختصاصی توجه شده و به عنوان یکی از صلاحیت‌های ذاتی دادگاه خانواده در بند ۱ ماده ۴ ق.ح.خ آمده است و هرگونه دعاوی و خسارت‌های ناشی از بر هم زدن نامزدی قابل طرح است.

هرچند ماده ۱۰۳۶ قانون مدنی در سال ۱۳۶۱ ضمن اصلاحاتی حذف گردیده است اما این امر، مطالبه خسارت‌های ناشی از بر هم زدن نامزدی را به صورت مطلق منع نمی‌کند و هر یک از نامزدها هرگاه بدون علت موجه و با سوء استفاده از حق خویش و ارتکاب تغییر نامزدی را بر هم زند، مسئول جبران خسارت می‌باشد؛ قانون مسئولیت مدنی نیز مؤید این امر است (ابهری، معینی‌فر و درگاهی، ۱۳۹۴، ص ۱۷).

۱-۲-۲. اهدای جنین

رسیدگی به امور مربوط به اهدای جنین موضوع بند ۱۷ ماده ۴ ق.ح.خ در صلاحیت دادگاه

۱. مطابق نظر اکثریت قضاوت، چنانچه دادگاه خانواده با حضور مشاور قضایی زن تشکیل گردد و مبادرت به رسیدگی نماید، تحصیل نظریه مشاور قضایی زن قبل از صدور حکم الزامی است؛ اما مطابق نظر اقلیت، با توجه به این که امکان تشکیل دادگاه خانواده بدون حضور مشاور قضایی زن نیز موجود است، تحصیل نظریه ایشان الزامی نیست (معاونت آموزش دادگستری استان تهران، ۱۳۸۰، ص ۸۲؛ نقل از: اسدی، ۱۳۸۴، ص ۸۲).

۲. نظریه مشورتی شماره ۷/۹۲/۲۰۵۰ مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۲۸ اداره حقوقی قوه قضائیه نیز بیان می‌دارد: «لزوم حضور قاضی زن مشاور در ماده ۲ قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۹۲ مخصوص دادگاه خانواده است. در دادگاه تجدیدنظر که به تجدیدنظرخواهی از آراء دادگاه خانواده رسیدگی می‌کند حضور قاضی مشاور زن پیش‌بینی نشده است».

خانواده آمده است. به موجب قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور مصوب ۱۳۸۲/۴/۲۹، «کلیه مراکز تخصصی درمان ناباروری ذی صلاح مجاز خواهند بود با رعایت ضوابط شرعی و شرایط مندرج در این قانون نسبت به انتقال جنین‌های حاصله از تلقیح خارج از رحم زوج‌های قانونی و شرعی پس از موافقت کتبی زوجین صاحب جنین به رحم زنانی که پس از ازدواج و انجام اقدامات پزشکی ناباروری آنها (هر یک به تنهایی یا هر دو) به اثبات رسیده اقدام نمایند».

احراز شرایط زوجین و اجازه اهدای جنین و تلقیح مصنوعی را دادگاه خانواده صادر می‌کند و پس از کسب اجازه از دادگاه خانواده زوجین می‌توانند اقدامات لازم پزشکی را مبذول دارند.^۱

۱-۲-۳. ولایت قهری، قیمومت، امور مربوط به ناظر و امین

بر طبق ماده ۴۸ قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹/۴/۲، رسیدگی به امور قیمومیت راجع به شهرستانی است که اقامتگاه محجور در حوزه آن دادگاه است و اگر محجور در ایران اقامتگاه نداشته باشد دادگاهی که محجور در حوزه آن دادگاه سکنا دارد صالح است. بنابراین، مرجع تعیین قیم برای صغیر مقیم ایران دادگاه شهرستانی است که اقامتگاه صغیر در حوزه آن باشد اعم از این که اقامتگاه پدر صغیر است که فوت شده در آنجا بوده یا نبوده باشد.^۲

به موجب بند ۱۳ ماده ۴ قانون حمایت خانواده، این امور از این پس در صلاحیت دادگاه خانواده است.

۱. به موجب رأی وحدت رویه شماره ۷۵۵ مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۱۴ هیأت عمومی دیوان عالی کشور نیز آمده است: «از مقررات قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور خصوصاً ماده ۴ آن راجع به صلاحیت دادگاه چنین مستفاد می‌گردد که تقاضای زوجین برای دریافت جنین از امور ترافعی نیست و مقررات قانون آیین دادرسی ... در امور مدنی در خصوص رسیدگی به دعاوی منصرف از آن است. بر این اساس، تقاضای زوجین بدون تقدیم دادخواست در دادگاه محل اقامت و یا سکونت آنان قابل رسیدگی است ...».

۲. به موجب رأی وحدت رویه شماره ۲۲۴ مورخ ۱۳۲۳/۷/۲۷ هیأت عمومی دیوان عالی کشور: «بر طبق ماده ۴۸ قانون امور حسبی، امور قیمومت نسبت به محجوری که اقامتگاه او در ایران است با دادگاه شهرستانی است که اقامتگاه محجور در حوزه آن می‌باشد، بنابراین مرجع تعیین قیم برای صغیر مقیم ایران دادگاه شهرستانی است که اقامتگاه صغیر در حوزه آن باشد اعم از اینکه اقامتگاه پدر صغیر که فوت شده در آنجا بوده یا نبوده است».

۱-۲-۴. تغییر جنسیت

تغییر جنسیت عبارت است از این که جنسیت فرد به‌طور کلی به جنس مخالف تغییر داده شود و تصمیم جدی در این نوع امور از سال ۱۳۷۶ گرفته شد در حالی که پیش از آن در زمان حیات امام خمینی (ره) این اجازه از ایشان گرفته شده بود^۱، اما در قانون خاصی به آن اشاره نگردیده بود تا این که با تصویب قانون حمایت خانواده، مطابق صدر ماده ۴ این قانون و بند ۱۸ این ماده، از جمله اموری قرار گرفت که دادگاه خانواده صالح به رسیدگی به آن است.

نظر به این که ماهیت تغییر جنسیت متفاوت از آثار و متفرعات آن یعنی ضرورت اصلاح شناسنامه و مدارک شخصی می‌باشد بنابراین، پیش از اقدام به آن باید از دادگاه خانواده مجوز لازم اخذ گردد. دادگاه در مقام بررسی ضرورت تغییر جنسیت، موضوع را به پزشکی قانونی ارجاع و بر اساس نظریه پزشکی قانونی و سایر اوضاع و احوال پس از تحقیق از شخص متقاضی تصمیم مقتضی را اتخاذ می‌کند. همچنین، دادگاه خانواده فقط اجازه تغییر جنسیت و اعمال جراحی را صادر می‌کند و در حقیقت، ضرورت آن را تأیید می‌نماید و رأی صادره مانند سایر آرای غیر مالی قابل تجدیدنظر است (ابهری، معینی‌فر و درگاهی، ۱۳۹۴، ص ۸۱).

۱-۲-۵. سرپرستی کودکان بی‌سرپرست

یکی دیگر از اموری که به موجب بند ۱۶ ماده ۴ ق.ج.خ در صلاحیت دادگاه خانواده است امور مربوط به سرپرستی کودکان بی‌سرپرست و بررسی شرایط و صلاحیت سرپرستان می‌باشد. در حقوق ایران نهاد فرزندخواندگی به معنای پذیرفته شده در کشورهای غربی وجود ندارد و آنچه از روی مسامحه به این نام خوانده می‌شود همان سرپرستی از کودکان بی‌سرپرست است (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۰، ص ۳۰).

۱. ایشان در کتاب تحریر الوسیله در بحث «حول المسائل المستحدثه» و مبحث «و منها تغییر الجنسیه» طی مسئله شماره ۱ بیان داشته‌اند: «عمل تغییر جنسیت زیر نظر طبیب متخصص از نظر شرعی اشکال ندارد» (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۶۲۶). در همین خصوص، نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه به شماره ۷/۹۲/۱۴۴۴ مورخ ۹۲/۸/۴ نیز بیان می‌دارد: «در قوانین موضوعه ممنوعیتی در مورد تغییر جنسیت، ملاحظه نگردید و در جلد چهارم تحریر الوسیله امام خمینی (ره) در قسمت مربوط به فروع، مسئله ۱، حرام نبودن آن بیان شده و امری غیر ترافعی می‌باشد و با توجه به ابتدای ماده ۴ قانون حمایت خانواده، در زمره «امور» است نه دعاوی».

لازم به ذکر است که مطابق ماده ۱ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲/۷/۱۰، «سرپرستی کودکان و نوجوانان فاقد سرپرست به منظور تأمین نیازهای مادی و معنوی آنان، با اذن مقام معظم رهبری و مطابق مقررات این قانون صورت می‌گیرد و با توجه به ماده ۱۱ این قانون، تقاضانامه درخواست‌کنندگان سرپرستی باید به سازمان بهزیستی ارائه گردد که مکلف است حداکثر پس از دو ماه نسبت به اعلام نظر کارشناسی، آن را به دادگاه صالح تقدیم دارد. همچنین، به موجب بند ۱۶ ماده ۴ ق.ح.خ، تشخیص این که کودک، بی‌سرپرست یا بدسرپرست می‌باشد و اخذ تعهد درخواست‌کنندگان سرپرستی در مورد هزینه‌های مربوط به نگهداری، تربیت و تحصیل افراد تحت تکفل سرپرستی و صدور حکم سرپرستی با دادگاه خانواده می‌باشد.

۱-۲-۶. ازدواج مجدد

برای ازدواج مجدد زوج شرایطی لازم است که در قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ در مورد این شرایط سخنی به میان نیامده است؛ به همین جهت باید اذعان داشت موادی از قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ که به موجب قوانین بعدی نسخ نشده و شورای نگهبان هم آن را خلاف شرع اعلام ننموده است و با قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ مغایرتی ندارند از جمله اخذ اجازه ازدواج مجدد از دادگاه مندرج در ماده ۱۶ ق.ح.خ مصوب ۱۳۵۳ به قوت خود باقی است.^۱

همچنین، به موجب بند ۴ ماده ۴ ق.ح.خ، احراز شرایط زوج برای ازدواج مجدد در صلاحیت دادگاه خانواده می‌باشد. باید به این نکته نیز توجه داشت که برای احراز شرایط ازدواج مجدد، هرگاه زوجه وکالت در طلاق ضمن عقد نکاح داشته که در سند ازدواج ذیل بند شرایط ضمن عقد قید گردیده باشد نظر به این که مطابق ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی، تمکین از زوج تکلیف قانونی زوجه است، در صورتی که بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع ورزد و زوج در دادگاه اثبات کند، وکالت زوجه از زوج محقق و قابل اعمال

۱. مطابق نظریه مشورتی شماره ۷/۹۲/۲۳۱۹ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۵ اداره حقوقی قوه قضائیه: «با توجه به اینکه ماده ۱۶ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ به قوت خود باقی می‌باشد، بنابراین مطابق بند ۳ ماده مذکور در صورت عدم تمکین زوجه، زوج می‌تواند از دادگاه درخواست ازدواج مجدد نماید و در خصوص سرد مزاجی زن نیز در صورتی که عارضه مذکور مانع ایفای وظائف زناشویی شود، این امر به استناد بند ۲ همان ماده می‌تواند از موارد ازدواج مجدد تلقی شود که احراز آن با مرجع قضائی رسیدگی‌کننده است...».

نیست.^۱

۳-۱. سایر نوآوری‌ها و ابتکارات قانون حمایت خانواده جدید

عدم الزام به رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی - در حالی که قانون حمایت خانواده جدید در بیان بسیاری از تشریفات رسیدگی در دادگاه خانواده ساکت است - از جمله ایرادات این قانون محسوب می‌شود. در واقع، بر خلاف اطلاق ماده ۸ ق.ح.خ، این رسیدگی عقلاً نمی‌تواند بدون تبعیت از هیچ تشریفات انجام پذیرد یا از تشریفات تبعیت کند که قاضی به میل خود و شخصاً در هر پرونده مقرر می‌دارد. به خاطر همین ایراد است که ماده ۹ همان قانون بلافاصله مقرر می‌دارد که «تشریفات و نحوه ابلاغ در دادگاه خانواده تابع مقررات آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی است ...» (افتخارچهرمی و السان، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۱۵۴ و عشق‌پور و حاتمی، ۱۳۹۵، ص ۱۳۰).

به نظر می‌رسد که ماده ۹ ق.ح.خ معارض ماده ۸ آن قانون باشد؛ چراکه در ماده ۹ رعایت تشریفات و مقررات آیین دادرسی مدنی لازم دانسته شده که شامل همه تشریفات می‌باشد در حالی که ماده ۸ رعایت مقررات آیین دادرسی مدنی را لازم ندانسته است. در ادامه ماده ۹ قانون مذکور نیز شیوه ابلاغ جدیدی از قبیل پست، نامبر، پیام تلفنی و پست الکترونیک پیش‌بینی گردیده است لکن این موارد الزام قانونی نبوده بلکه به نحو توافقی بین اصحاب دعوا و دادگاه می‌باشد؛ یعنی دادگاه در صورت اعلام طرفین مبنی بر توافق بر یکی از شیوه‌های مذکور، برابر آن ابلاغ را به عمل می‌آورد و در هر حال، احراز صحت ابلاغ به دادگاه محول شده است. این امر بیانگر تردید قانونگذار نسبت به ابلاغ به شیوه نوین بوده و در عین حال، درصدد نهادینه کردن آن در آینده می‌باشد و می‌توان این پیش‌بینی را نقطه قوت قانونگذاری دانست (قربان‌وند، ۱۳۹۳، ص ۵۴).

البته، در حال حاضر ابلاغ الکترونیکی به عنوان شیوه اصلی و نخستین ابلاغ در محاکم حقوقی و خانواده به موجب آیین‌نامه نحوه استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای یا

۱. رأی وحدت رویه شماره ۷۱۶ مورخ ۱۳۸۹/۷/۲۰ هیأت عمومی دیوان عالی کشور یز بیان می‌دارد: «نظر به اینکه مطابق ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی تمکین از زوج تکلیف قانونی زوجه است، بنابراین در صورتی که بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع و زوج این امر را در دادگاه اثبات و با اخذ اجازه از دادگاه همسر دیگری اختیار نماید، وکالت زوجه از زوج در طلاق که به حکم ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی ضمن عقد نکاح شرط و مراتب در سند ازدواج ذیل بند ب شرایط ضمن عقد در ردیف ۱۲ قید گردیده، محقق و قابل اعمال نیست.»

مخابراتی مصوب ۱۳۹۵ به رسمیت شناخته شده است.

۱-۳-۱. نفقه کودکان حاصل از لقاح مصنوعی و کودکان بی سرپرست

به موجب تبصره ذیل ماده ۵۳ ق.ح.خ، «... نفقه فرزندان ناشی از تلقیح مصنوعی یا کودکان تحت سرپرستی مشمول مقررات این ماده است؛ لذا در صورت داشتن استطاعت مالی شخص مکلف است نفقه فرزندان ناشی از تلقیح مصنوعی یا کودکان تحت سرپرستی خود را بدهد و الا مسؤولیت کیفری خواهد داشت و این ماده از نقاط قوت این قانون می‌باشد(قربان‌وند، ۱۳۹۳، ص ۱۶۲).

۱-۳-۲. ایجاد مراکز مشاوره

به موجب ماده ۱۶ ق.ح.خ مقرر گردیده است که «به منظور تحکیم مبانی خانواده و جلوگیری از افزایش اختلافات خانوادگی و طلاق و سعی در ایجاد صلح و سازش، قوه قضاییه موظف است ظرف سه سال از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون مراکز مشاوره خانواده را در کنار دادگاه‌های خانواده ایجاد کند...». هرچند که مطابق تبصره ماده ۱۹ قانون مذکور، «دادگاه با ملاحظه نظر کارشناسی مراکز مشاوره خانواده به تشخیص خود مبادرت به صدور رأی می‌کند». البته، از زمان تصویب قانون حمایت خانواده تا قبل از سه سال، دادگاه بدون اخذ نظر مراکز مشاوره مبادرت به انشای رأی می‌کند ولی بعد از سپری شدن مدت مذکور باید نظریه مراکز مشاوره اخذ گردد(قربان‌وند، ۱۳۹۳، ص ۷۱).

۱-۳-۳. الزام به ثبت ازدواج موقت

اگرچه در ماده ۲۱ ق.ح.خ، از محوریت نکاح دائم در جهت استواری روابط خانوادگی یاد شده لکن نکاح موقت نیز مورد حمایت قرار گرفته است و ثبت آن در سه مورد الزامی می‌باشد که عبارتند از: ۱- باردار شدن زوجه ۲- توافق طرفین ۳- شرط ضمن عقد؛ که در مورد ۲ و ۳ نیازی به ذکر نبودند و تابع اراده طرفین در ثبت است(قربان‌وند، ۱۳۹۳، ص ۷۹). در این خصوص، نظریه مشورتی شماره ۷/۹۲/۷۹۹ مورخ ۱۳۹۲/۴/۳۱ اداره حقوقی قوه قضائیه بیان می‌دارد: «در نکاح موقت چنانچه زوجه باردار باشد، در صورت عدم ثبت، هریک از زوجین می‌توانند در اجرای بند ۱ ماده ۲۱ قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱، الزام به ثبت آن را از دادگاه خانواده ذی‌صلاح تقاضا نمایند». همچنین، به موجب نظریه

مشورتی دیگر این اداره به شماره ۷/۹۲/۲۲۹ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۳، «الزام قانونی زوجین، به ثبت ازدواج موقت در موارد سه‌گانه مذکور در ماده ۲۱ قانون حمایت خانواده، مصوب اسفند ماه ۱۳۹۱؛ نافی لزوم اخذ اجازه مرد متأهل، برای ازدواج دوم اعم از موقت یا دائم موضوع ماده ۱۶ قانون حمایت خانواده، مصوب ۱۳۵۳ نمی‌باشد. بنابراین، ثبت ازدواج موقت مرد متأهل در موارد یاد شده فوق، مستلزم اخذ اجازه دادگاه است.»

۱-۳-۴. ممنوعیت حضور کودکان در دادگاه خانواده

طبق ماده ۴۶ ق.ح.خ، «حضور کودکان زیر پانزده سال در جلسات رسیدگی به دعاوی خانوادگی جز در موارد ضروری که دادگاه تجویز می‌کند ممنوع است» و این در حالی است که برابر ماده ۴۵ همین قانون، «رعایت غبطه و مصلحت کودکان و نوجوانان در کلیه تصمیمات دادگاه‌ها و مقامات اجرایی الزامی است». لذا این پرسش مطرح می‌گردد که این امر، بدون امکان حضور متعارف آنان در جلسات دادگاه و استماع نظرات و درخواست‌های آنها چگونه برای دادگاه محقق می‌شود؟!

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۳/۳۹۹ مورخ ۱۳۹۳/۲/۲۴ اداره حقوقی قوه قضائیه نیز بیان می‌دارد: «اولاً: در خصوص "حضانة فرزند بالغ کمتر از هجده سال"، مستنداً به ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی و رأی وحدت رویه دیوان عالی کشور به شماره ۳۰ مورخ ۱۳۶۴/۱۰/۳، با رسیدن طفل به سن بلوغ شرعی که در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری است، موضوع حضانة (امر غیرمالی) منتفی است و فرد بالغ (پس از بلوغ شرعی) می‌تواند با هریک از والدین یا اجداد خود که بخواهد، زندگی نماید. ثانیاً: در مورد "ملاقات فرزند بالغ کمتر از هجده سال"، با عنایت به منطوق ماده ۴۵ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱، چنانچه مصلحت و غبطه کودک یا نوجوان ایجاب کند، صدور حکم ملاقات چنین فرزندی با هر یک از والدین و تهیه الزامات آن توسط طرف دیگر بلاشکال است و احراز این امر با دادگاه است.»

۲. مجازات‌های کیفری مقرر در روابط زناشویی و دادگاه صالح

بر اساس ماده ۱۴ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳، «هرگاه دادگاه خانواده تشخیص دهد کسی که حضانة طفل به او محول شده از انجام تکالیف مربوط به حضانة خودداری کرده یا مانع ملاقات طفل با اشخاص ذیحق شود او را برای هر بار تخلف به پرداخت

مبلغی از هزار ریال تا ده هزار ریال و در صورت تکرار به حداکثر مبلغ مذکور محکوم خواهد کرد. دادگاه در صورت اقتضا می‌تواند علاوه بر محکومیت مزبور حضانت طفل را به شخص دیگری واگذار نماید. در هر صورت حکم این ماده مانع از تعقیب متهم چنانچه عمل او طبق قوانین جزایی جرم شناخته شده باشد نخواهد بود».

این در حالی است که برابر ماده ۴۰ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، «هرکس از اجرای حکم دادگاه در مورد حضانت طفل استنکاف کند یا مانع اجرای آن شود یا از استرداد طفل امتناع ورزد، حسب تقاضای ذی‌نفع و به دستور دادگاه صادرکننده رأی نخستین تا زمان اجرای حکم بازداشت می‌شود».

۲-۱. استنکاف از ثبت واقعه نکاح موقت

برای عدم ثبت رسمی ازدواج دائم و موقت، طلاق یا فسخ نکاح یا رجوع، مجازات جزای نقدی درجه پنج و یا حبس تعزیری درجه هفت پیش‌بینی شده است. به موجب ماده ۴۹ ق.ح.خ مصوب ۱۳۹۱، «چنانچه مردی بدون ثبت در دفاتر رسمی به ازدواج دائم، طلاق یا فسخ نکاح اقدام یا پس از رجوع تا یک ماه از ثبت آن خودداری یا در مواردی که ثبت نکاح موقت الزامی است از ثبت آن امتناع کند، ضمن الزام به ثبت واقعه به پرداخت جزای نقدی درجه پنج و یا حبس تعزیری درجه هفت محکوم می‌شود. این مجازات در مورد مردی که از ثبت انفساخ نکاح و اعلام بطلان نکاح یا طلاق استنکاف کند نیز مقرر است».

برای رسیدگی به این موضوع ابتدا باید رابطه زوجیت و تحقق طلاق یا فسخ نکاح یا رجوع احراز گردد. با توجه به این که رسیدگی به دعاوی راجع به اصل نکاح و طلاق در صلاحیت دادگاه خانواده است لذا عنداللزوم باید بدواً قرار اناطه صادر شود.

نکته مهم دیگر این است که جرم مذکور تنها در مورد مردان صدق می‌کند؛ چراکه زنان وظیفه‌ای در خصوص ثبت ازدواج یا طلاق ندارند. به علاوه، هرچند در قانون دو نوع مجازات با دو درجه مختلف یعنی جزای نقدی درجه پنج و یا حبس تعزیری درجه هفت برای آن در نظر گرفته شده، اما با توجه به تبصره ۳ ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی، این جرم درجه ۵ محسوب گردیده و رسیدگی به آن در صلاحیت دادسرا می‌باشد؛ لذا مشمول ماده ۳۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری، یعنی مواردی که رسیدگی به آنها به طور مستقیم در دادگاه باشد، نمی‌شود.

۲-۲. ازدواج مرد بر خلاف مقررات قانون مدنی

این نوع از ازدواج واجد عنوان مجرمانه بوده و برای آن مجازات تعیین شده است.

۲-۳. انکار زوجیت

در سال ۱۳۱۱ قانونی با عنوان «قانون راجع به انکار زوجیت» به تصویب رسید و ماده اول این قانون مقرر می‌داشت که «هرگاه مردی در مقابل دعوی زن راجع به حقوق مالی ناشی از عقد ازدواج اعم از صداق و نفقه و غیره انکار زوجیت کند و بعد معلوم شود این انکار بی‌اساس بوده محکمه که به دعوی مالی رسیدگی می‌نماید مرد را علاوه بر تأدیه حقوق مالی به هشت روز الی سه ماه حبس تأدیبی و یا به صد تا هزار ریال جزای نقدی و یا به هر دو مجازات محکوم خواهد نمود. حکم فوق درباره کسانی نیز جاری است که پس از فوت مرد طرف دعوی ارث یا حقوق مالی دیگر ناشی از عقد ازدواج شده و با علم به زوجیت زن آن را انکار نمایند».

در ماده دوم این قانون نیز مقرر گردیده است: «زنی که برخلاف واقع ادعای زوجیت و مطالبه حقوق مالی ناشی از ازدواج کرده و همچنین کسی که به عنوان قائم‌مقام قانونی زنی برای مطالبه حقوق مالی ناشی از عقد ازدواج با علم به عدم زوجیت اقامه دعوی نماید به مجازات حبس از هشت روز تا دو ماه و یا جزای نقدی از صد تا هزار ریال و یا به هر دو مجازات محکوم خواهد شد».

امروزه با وجود ماده ۵۲ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ باید قائل بر این بود که قانون فوق نسخ شده است. به موجب این ماده، «هرکس در دادگاه زوجیت را انکار کند و سپس ثابت شود این انکار بی‌اساس بوده است یا برخلاف واقع با طرح شکایت کیفری یا دعوی حقوقی مدعی زوجیت با دیگری شود به حبس تعزیری درجه شش و یا جزای نقدی درجه شش محکوم می‌شود. این حکم در مورد قائم‌مقام قانونی اشخاص مذکور نیز که با وجود علم به زوجیت، آن را در دادگاه انکار کند یا علی‌رغم علم به عدم زوجیت با طرح شکایت کیفری یا دعوی حقوقی مدعی زوجیت گردد، جاری است».

۲-۴. دادگاه صالح برای اختلافات زناشویی دارای وصف کیفری

به موجب نظریه مشورتی شماره ۷/۹۳/۶۶۴ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۵ اداره حقوقی قوه قضائیه، «جرایم کیفری مذکور در مواد ۴۹ به بعد قانون حمایت خانواده، وفق عمومات مقررات

آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری رسیدگی می‌شود و دادگاه‌های حمایت خانواده موضوع قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۰۱ ... نیز در حدود صلاحیت‌های مقرر قانونی مذکور در ماده ۴ همان قانون، صلاحیت رسیدگی دارند». بنابراین، اگر دعوی اصلی مطرح در دادگاه خانواده با دعوی کیفری ارتباط کامل داشته و رسیدگی به آن نیازمند تعیین تکلیف قطعی در امر کیفری باشد، دادگاه خانواده باید قرار اناطه صادر کند.

۳. تعیین حقوق وظیفه و مستمری در دادگاه خانواده

در قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ شاهد نوآوری‌هایی در مورد حقوق زنان هستیم و کیفیت و نحوه تقسیم حقوق وظیفه یا مستمری زوج متوفی بر زوجه دائم و فرزندان در ماده ۴۸ این قانون آمده است و تمام احکام مندرج در این ماده به ویژه بند ۱ آن در مورد اجازه استفاده از حقوق وظیفه یا مستمری زوج در صورت ازدواج دوباره زوجه و حتی در صورت انحلال ازدواج بعدی واجد جنبه نوآوری می‌باشد (ابهری، معینی‌فر و درگاهی، ۱۳۹۴، ص ۱۸۶).

مقررات ماده فوق در مورد افرادی که قبل از اجرا شدن این قانون فوت شده‌اند نیز لازم‌الاجرا است. با توجه به ماده ۴ قانون مدنی که بیان می‌دارد، «اثر قانون ثبت نسبت به آتیه است و قانون نسبت به ما قبل خود اثر ندارد مگر اینکه در خود قانون مقررات خاصی نسبت به این موضوع اتخاذ شده باشد» لذا با توجه به تبصره ماده ۴۸ ق.ج.خ، مقررات این ماده عطف به ما سبق می‌شوند (قربان‌وند، ۱۳۹۳، ص ۱۵۰).

۴. نوآوری‌های قانون حمایت خانواده جدید در مورد دستور موقت، تأمین خواسته و تأخیر جلسه

قانون جدید حمایت خانواده، در زمینه دستور موقت، تأمین خواسته و تأخیر جلسه دارای نوآوری‌های خاصی می‌باشد که نیاز به بررسی جداگانه دارد.

۴-۱. تأمین خواسته و دستور موقت در دادگاه خانواده

قانون حمایت خانواده جدید در مورد تأمین خواسته و دستور موقت در دادگاه خانواده حاوی مقرراتی است که در قانون آیین دادرسی مدنی معادلی برای آن وجود ندارد. ماده ۱۱ این

قانون بیان می‌دارد که «در دعاوی مالی موضوع این قانون، محکوم‌له پس از صدور حکم قطعی و تا پیش از شروع اجرای آن نیز می‌تواند از دادگاهی که حکم نخستین را صادر کرده است، تأمین محکوم به را درخواست کند». به موجب ماده ۱۰۸ ق.آ.د.م، «خواهان می‌تواند قبل از تقدیم دادخواست یا ضمن دادخواست راجع به اصل دعوا یا در جریان دادرسی تا وقتی که حکم قطعی صادر نشده است درخواست تأمین خواسته نماید...». به نظر می‌رسد که ماده ۱۱ ق.ح.خ استثنایی بر قواعد تأمین خواسته در قانون آیین دادرسی مدنی می‌باشد (افتخارچهرمی و السان، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۱۵۷).

البته، در ماده ۴۹ قانون اجرای احکام مدنی نیز در فاصله بین صدور حکم قطعی تا اجرای حکم قطعی در قالب اجرائیه، تأمین محکوم‌به پیش‌بینی شده است. به هر حال، پیش‌بینی تأمین محکوم‌به در متن ماده ۱۱ ق.ح.خ از نقاط قوت آن است؛ اما نکته مبهم این قانون، عدم اظهارنظر در مورد خسارات احتمالی است که شاید بتوان گفت تابع عموماً آیین دادرسی مدنی و اجرای احکام مدنی است؛ چون حکم قطعی صادر شده است می‌توان آن را در حکم سندی که نیازی به اخذ خسارات احتمالی نیست لحاظ کرد (قربان‌وند، ۱۳۹۳، ص ۵۸).

ماده ۷ ق.ح.خ به دادگاه اجازه می‌دهد که «پیش از اتخاذ تصمیم در مورد اصل دعوی به درخواست یکی از طرفین در اموری از قبیل حضانت، نگهداری و ملاقات طفل و نفقه زن و محجور که تعیین تکلیف آنها فوریت دارد بدون اخذ تأمین دستور موقت صادر کند. این دستور بدون نیاز به تأیید رئیس حوزه قضایی قابل اجراء است...». به نظر می‌رسد که صدور دستور موقت بدون سپردن تأمین از ناحیه متقاضی، بر خلاف ماده ۳۱۹ ق.آ.د.م است اما ماده ۷ ق.ح.خ در راستای حمایت از خانواده در برخی دعاوی خانوادگی به حذف تأمین از دستور موقت اقدام کرده است و این که موضوع دستور موقت در دعاوی خانوادگی نیاز به تأیید رئیس حوزه قضایی ندارد نیز تفاوت آشکاری با تبصره ۱ ماده ۳۲۵ ق.آ.د.م می‌باشد که در همه دعاوی قابل توجه نیست؛ چراکه تأیید مقام مذکور از جهت حمایت از نظم و منافع عمومی است که این حمایت در دعاوی خانوادگی بیشتر احساس می‌شود (قربان‌وند، ۱۳۹۳، ص ۴۴).

البته نص ماده ۷ ق.ح.خ، تنها برخی دعاوی را شامل می‌شود که تعیین تکلیف در آنها فوریت دارد و دعاوی که جنبه مالی آنها برتری دارد مانند مهریه و جهیزیه، تابع قواعد

عمومی آیین دادرسی مدنی است.

۲-۴. تأخیر رسیدگی در دادگاه خانواده

بر خلاف ماده ۹۹ ق.آ.د.م که بیان می‌دارد، «دادگاه می‌تواند جلسه دادرسی را به درخواست و رضایت اصحاب دعوا فقط برای یک بار به تأخیر بیندازد»، در ماده ۱۰ ق.ح.خ دادگاه جلسه را دوبار می‌تواند به تأخیر اندازد (قربان‌وند، ۱۳۹۳، ص ۵۵).

با توجه به متن ماده اخیرالذکر اولاً، این امکان فقط در دعاوی زوجین وجود دارد و ثانیاً، هر یک از زوجین که به تأخیر افتادن جلسه دادرسی را درخواست می‌کند باید مدارک حاکی از امکان صلح و سازش در رابطه زوجین به واسطه تأخیر را به دادگاه بدهد (افتخارچهرمی و السان، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۱۵۶). ضمن این که در ماده ۹۹ ق.آ.د.م، درخواست هر دو طرف را برای تأخیر جلسه دادرسی لازم می‌داند ولی در ماده ۱۰ ق.ح.خ درخواست یکی از طرفین برای تأخیر کافی است که ممکن است بدون قصد صلح و سازش، یکی از طرفین به این بهانه موضوعات اطاله دادرسی را فراهم آورد (قربان‌وند، ۱۳۹۳، ص ۵۵).

۳-۴. امکان طرح دعوا از سوی شخصی غیر از نماینده قانونی

به موجب ماده ۶ ق.ح.خ، «مادر یا هر شخصی که حضانت طفل یا نگهداری شخص محجور را به اقتضاء ضرورت بر عهده دارد حق اقامه دعوی برای مطالبه نفقه طفل یا محجور را نیز دارد ...». این ماده تأسیس جدیدی است در راستای این که چون نگهداری طفل زیر ۷ سال با مادر است لذا مادر می‌تواند ادعای مطالبه نفقه را داشته باشد و اگر طفل بالاتر از هفت سال باشد ولی هنوز حکمی بر حضانت توسط مادر صادر نشده است، چون قبلاً طفل نزد مادر بوده وی می‌تواند مطالبه نفقه کند. همچنین، مدعی ضرورت حضانت یا نگهداری باید دلایل و امارات قانع‌کننده برای اثبات این ضرورت را به دادگاه بدهد تا بر اساس آنها دادگاه حقیقت را آشکار سازد و ادعای ضرورت مشخص گردد (قربان‌وند، ۱۳۹۳، ص ۱۵۶).

به نظر می‌رسد که برخی از مصادیق ماده ۶ ق.ح.خ با قواعد قانون آیین دادرسی مدنی سازگار نیست و خلاف اصول دادرسی مدنی است؛ زیرا از مفهوم مخالف بند ۵ ماده ۸۴

ق.آ.د.م چنین استنباط می‌شود که خواهان باید در دعوی مطروحه دارای سمت باشد.^۱ در نتیجه، قائل شدن حق طرح دعوی برای شخصی که صرفاً طفل یا محجور را نگهداری می‌کند اما قانوناً نماینده وی نیست با ملاک قانون آیین دادرسی مدنی سازگار نیست. لکن شاید بتوان گفت که ماده ۶ ق.ج.خ این امر را جهت حمایت از محجور و رعایت مصالح وی اجازه داده است. البته، به موجب ماده ۶ ق.ج.خ به مادر یا هر شخصی که حضانت طفل یا نگهداری شخص محجور را به اقتضاء ضرورت بر عهده دارد نوعی نمایندگی قانونی داده شده است که بتواند نفقه ایشان را از کسی که قانوناً مکلف به انفاق می‌باشد مطالبه کند. بنابراین، طرح دعوی مزبور بالاصاله نیست؛ زیرا این مبلغ را برای خودش مطالبه نمی‌کند. به موجب نظریه مشورتی شماره ۷/۹۲/۸۴۸ مورخ ۷/۵/۱۳۹۲ اداره حقوقی قوه قضائیه، «با تصویب ماده ۶ قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱/۱۲/۱ مادر یا هر شخصی که حضانت طفل یا نگهداری محجور را بر عهده دارد در امر مطالبه نفقه همان اختیار قیم را قانوناً دارا می‌باشد».

۴-۴. عدم بررسی ازدواج مجدد در قانون حمایت خانواده جدید

قانون جدید حمایت خانواده با وجود این که صلاحیت دادگاه خانواده در دعوی ازدواج مجدد را به رسمیت شناخته اما به جزئیات این موضوع نپرداخته است. در این شرایط به نظر می‌رسد که ماده ۱۶ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ همچنان قابلیت اجرایی داشته باشد. به موجب این ماده، «مرد نمی‌تواند با داشتن زن همسر دوم اختیار کند مگر در موارد زیر:

- ۱- رضایت همسر اول.
- ۲- عدم قدرت همسر اول به ایفای وظایف زناشویی.
- ۳- عدم تمکین زن از شوهر.
- ۴- ابتلاء زن به جنون یا امراض صعب‌العلاج موضوع بندهای ۵ و ۶ ماده ۸.^۲

۱. لازم به ذکر است که یکی از مواردی که خوانده می‌تواند به موجب آن ضمن پاسخ نسبت به ماهیت دعوا ایراد کند بند ۵ ماده ۸۴ ق.آ.د.م است، یعنی «کسی که به عنوان نمایندگی اقامه دعوا کرده از قبیل وکالت یا ولایت یا قیمومت و سمت او محرز نباشد».

۲. بندهای ۵ و ۶ ماده ۸ ق.ج.خ مصوب ۱۳۵۳: «۵- ابتلاء هر یک از زوجین به امراض صعب‌العلاج به نحوی که دوام زناشویی برای طرف دیگر در مخاطره باشد. ۶- جنون هر یک از زوجین در مواردی که فسخ نکاح ممکن نباشد».

- ۵- محکومیت زن وفق بند ۸ ماده ۸.^۱
 ۶- ابتلای زن به هرگونه اعتیاد مضر برابر بند ۹ ماده ۸.^۲
 ۷- ترک زندگی خانوادگی از طرف زن.
 ۸- عقیم بودن زن.
 ۹- غایب مفقودالاثر شدن زن برابر بند ۱۴ ماده ۸.^۳».

۴-۵. ابهام در حقوق اقلیت‌های دینی

در تبصره ماده ۴ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ ابهامی وجود دارد؛ چراکه گفته شده است که در خصوص اقلیت‌های دینی باید به تصمیمات مراجع عالی رجوع شود، در حالی که ما نباید با ابهام قانونگذاری کنیم و مراجع عالی هر کدام خود را به عنوان مرجع عالی می‌شناسند.

۴-۶. عدم نیاز به تأیید رئیس حوزه قضایی در اجرای دستور موقت

اصولاً اجرای دستور موقت نیاز به تأیید رئیس حوزه قضایی دارد ولی ماده ۷ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ صدور این دستور را بدون نیاز به تأیید رئیس حوزه قضایی قابل اجرا دانسته است که به نظر می‌رسد در این ماده هم ابهام وجود دارد؛ چراکه در ادامه ماده بیان گردیده است: «... چنانچه دادگاه ظرف شش ماه راجع به اصل دعوی اتخاذ تصمیم نکند، دستور صادر شده ملغی محسوب و از آن رفع اثر می‌شود، مگر آنکه دادگاه مطابق این ماده دوباره دستور موقت صادر کند» و در این ماده، جزئیات مربوط به نحوه و تشریفات رفع اثر از دستور موقت موضوع ماده مشخص نشده است و این ابهام می‌تواند منجر به بروز مشکل و اختلاف نظر در مقام اجرا باشد (ر.ک: قبولی درافشان و محسنی، ۱۳۹۴).

۱. بند ۸ ماده ۸ ق.ح.خ. مصوب ۱۳۵۳: «محکومیت زن یا شوهر به حکم قطعی به مجازات پنج سال حبس یا بیشتر یا به جزای نقدی که بر اثر عجز از پرداخت منجر به پنج سال بازداشت شود یا به حبس و جزای نقدی که مجموعاً منتهی به پنج سال یا بیشتر و بازداشت شود و حکم مجازات در حال اجرا باشد».
 ۲. بند ۹ ماده ۸ ق.ح.خ. مصوب ۱۳۵۳: «ابتلاء به هرگونه اعتیاد مضر که به تشخیص دادگاه به اساس زندگی خانوادگی خلل وارد آورد و ادامه زندگی زناشویی را غیر ممکن سازد».
 ۳. بند ۱۴ ماده ۸ ق.ح.خ. مصوب ۱۳۵۳: «در مورد غایب مفقودالاثر با رعایت مقررات ماده ۱۰۲۹ قانون مدنی».

نتیجه

ایرادات و نیز امتیازات قوانینی که به‌طور خاص در زمینه دادرسی به تصویب می‌رسند و باید در عمل به مرحله اجرا درآیند به‌طور معمول در مقام عمل مشخص و برجسته می‌شود. قانون جدید حمایت خانواده نیز از جمله قوانین و مقررات مذکور است که علی‌رغم داشتن برخی نوآوری‌ها و افزودن بر حوزه صلاحیتی دادگاه خانواده و تلاش برای متمایز کردن تشریفات رسیدگی در دادگاه خانواده از محاکم حقوقی، دارای ایرادات و نواقصی می‌باشد که باید از طریق روبه قضایی یا در صورت ضرورت، با اصلاح قانون برطرف شوند.

به هر حال، قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، قواعد صلاحیتی و تشریفات دادرسی متفاوتی را برای دادگاه خانواده در مقایسه با آنچه که در قانون آیین دادرسی مدنی آمده است مقرر می‌دارد. همچنین، قانون مذکور در زمینه مدیریت زمان دادرسی، سازش در دعاوی خانوادگی و شناسایی و اجرای احکام خانوادگی محاکم خارجی دارای نوآوری‌هایی است که باید مورد حمایت قرار گیرند و چه بسا بتوان از این قواعد متمایز برای ارتقای سطح دادرسی در دعاوی حقوقی (مدنی) نیز بهره گرفت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

۱. ابهری، حمید؛ معینی‌فر، یاسر و درگاهی، مهری؛ *قانون حمایت خانواده در نظم حقوقی کنونی*، انتشارات طرح نوین اندیشه، چاپ اول، ۱۳۹۴.
۲. اسدی، لیلیاسادات؛ *زنان و قضاوت*، مجله مطالعات راهبردی زنان، شماره ۲۸، تابستان ۱۳۸۴.
۳. اسدی، لیلیاسادات؛ *سیاست افتراقی در رسیدگی به دعاوی خانوادگی و راهبردهای آن*، مجله فقه و حقوق خانواده، شماره ۴۷، پاییز و زمستان ۱۳۸۶.
۴. افتخار جهرمی، گودرز و السان، مصطفی؛ *آیین دادرسی مدنی*، جلد اول، انتشارات دوران‌دیشان، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۴.
۵. خمینی، روح‌الله؛ *تحریر الوسيله*، جلد دوم، چاپ دارالعلم، قم، ۱۳۷۹.
۶. عشق‌پور، منصور و حاتمی، ناصر؛ *جایگاه تشریفات آیین دادرسی مدنی در دادگاه‌های خانواده*، فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی، دوره دوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۵.
۷. قبولی درافشان، سیدمحمد مهدی و محسنی، سعید؛ *نوآوری‌های قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ در زمینه مقررات شکلی مرتبط با دعاوی خانوادگی*، فصلنامه پژوهشنامه زنان، شماره ۱۲، تابستان ۱۳۹۴.
۸. قربان‌وند، محمدباقر؛ *تفسیر قضایی و نقد قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱*، انتشارات مجد، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۳.
۹. موسوی بجنوردی، سیدمحمد؛ *بررسی وضعیت فرزندخواندگی*، مجله تحقیقات زمان، شماره ۱۰، بهار ۱۳۹۰.
۱۰. نهرینی، فریدون؛ *آیین دادرسی مدنی*، جلد اول، انتشارات گنج دانش، تهران، ۱۳۹۳.

Innovations and Gaps of "Iranian New Family Protection Act 2012" in the Scope of Principles and Procedures

Mostafa Elsan^{*}
Leila Najafizadeh^{**}
Malihe Lavarian^{***}

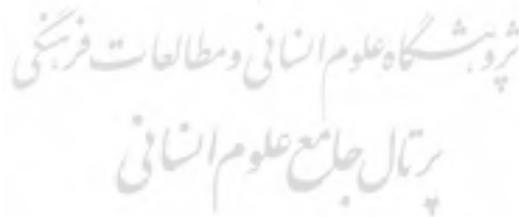
Received: 18/04/2017

Accepted: 18/07/2017

Abstract:

The survey of new family protection Act shows it has certain innovations and initiatives and, at the same time, shortcomings in various areas of family law and family litigation. Presence of female judge, consideration of nomination and damage resulting from it, creation of jurisdiction for family court on donation of embryos and change of sex, care of abandoned children, consideration of re-marriage issue, establishment of counseling centers, obligation to register a temporary marriage and prohibition of presence of children in family court, among others, are the innovations of above mentioned Act which is discussed in this article along with the gaps and shortcomings of it.

Key words: Family Court, Jurisdiction, Innovations, Limitations.



^{*}Assistant Professor at Law Faculty of Shahid Beheshti University.

mostafaelsan@yahoo.com

^{**}Ph.D Student of Private Law at Urmia Branch of Islamic Azad University.

najafizadehleila@gmail.com

^{***}M.A in Private Law of Shahid Beheshti University.

malihe.lavarian@gmail.com